

احیای بازدارندگی باید منجر به تولید سرمایه اجتماعی شود



مصطفی غفاری

دکتر جامعه‌شناسی سیاسی

من فکر می‌کنم اولین و مهم‌ترین نکته درباره عملیات پهبادی - موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، فراتر از همه گفته‌ها، شنیده‌ها و حتی ادعاها و تکذیبیه‌هایی که انجام می‌شود، احیای بازدارندگی است و امیدوارم که با طراحی و عملیاتی که انجام شد، این اتفاق افتاده باشد و سطح بازدارندگی ایران ارتقا پیدا کرده باشد. اما اتفاقی که همه ما با افتخار شاهد آن بودیم، توانایی این را دارد که فرصتی برای ترمیم شکاف‌های اجتماعی به وجود آمده در کشور را به ما بدهد و سطح همبستگی مان را در این شرایط بالا ببرد. به این معنا که در یک راهبرد ملی، بین سیاست داخلی و سیاست خارجی مان توازن ایجاد کنیم؛ چراکه ما واقعا نیازمندیم همانقدر که در سطح سیاست خارجی قدرت بازدارندگی مان را بالا می‌بریم و امنیت ملی خارجی را تامین می‌کنیم، ضریب انسجام اجتماعی و امنیت داخلی مان را هم ارتقا بدهیم. البته اگر به این ایده معتقد باشیم که سیاست خارجی ادامه سیاست داخلی است و این دو مکمل هم هستند، کارآسان‌تر می‌شود؛ چون دیگر چنین توقعی، بیجا نیست. اگر از این فضای به وجود آمده برای ترمیم شکاف‌های اجتماعی و افزایش همبستگی استفاده نکنیم این فضا به ضد خودش تبدیل می‌شود.

این طور به نظر می‌رسد که ما در چند سال اخیر به نوعی از غیاب یک راهبرد ملی واحد در داخل کشور رنج بردیم درحالی‌که در سیاست خارجی کمتر چنین خلأیی را حس می‌کنیم. کافی است تصور کنیم اگر انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی مثلا با مشارکت بالای ۶۰ درصدی مردم برگزار می‌شد، الان ما چه شرایطی داشتیم؟ مردم چه احساسی نسبت به انجام این عملیات داشتند؟ آیا این عملیات مهم و قدرتمندانه می‌توانست حتی از این هم بهتر انجام شود؟ یا اساسا آسیبی مثل حمله به سفارت ایران در سوریه رخ می‌داد تا بعدش لازم باشد چنین عملیاتی را در مقام پاسخ و برای بازیابی توان بازدارندگی انجام بدهیم یا خیر؟ باید فکر کنیم اگر دوقطبی‌های اجتماعی در کشور ما ایستاد نماند بود یا شکاف‌هایش ترمیم شده بود، از این حیث اقدامی در چه وضعیتی بودیم؟ یا حتی در بعد اقتصادی اگر ارزش پول ملی در این کشور به قدری افتاد و چندین و چند دیگر که باید به آن اندیشیده شود. البته به نظر می‌رسد ما به حق بابت اتفاقی که افتاده خوشحال هستیم و احساس غرور می‌کنیم ولی در کنار آن باید مواظب باشیم روی نقاط ضعف مان چشم نبندیم و تلاش کنیم که به طور متوازن نقاط ضعف مان را در حیطه سیاست داخلی و در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاست‌های مربوط به اداره امور داخلی کشور و امنیت ملی ترمیم کنیم و ارتقا بدهیم.

اتفاق مهمی که رقم خورد می‌تواند تاریخ‌ساز باشد. می‌توان در تحلیل آنچه که رخ داده، روی نوعی از مفهوم موازنه تکیه کرد. چگونه؟ این عملیات از طرفی توانست غرور ملی جریحه‌دارشده ایرانی را تا حد زیادی ترمیم و التیام

بخشد. درواقع ما با این عملیات بزرگ و پیروزمندانه توانستیم وجه عاطفی سیاست ملی مان را هم در خارج از کشور و هم در داخل کشور، تا حد زیادی ارتقا بدهیم که نکته بسیار مهم و مثبتی است. اما این تنها عاطفه اجتماعی و سیاسی ما نیست که باید در موردش تامل کنیم و برایش طراحی و تدبیر داشته باشیم، بلکه این دست‌فرمان می‌تواند در حیطه نارضایتی‌های نادیده‌گرفته شده نسبت به نظام حکمرانی نیز اتفاق بیفتد. مثلا در مورد التیام زخم‌هایی که از سر دوقطبی‌های کاذب پیدا شده و متأسفانه گاهی نظام حکمرانی خودش به آن دامن زده است. ما واقعا به ترمیم عواطف سیاسی و اجتماعی خودمان در سطوح دیگر نیاز جدی داریم. یک حرکت متوازن از حیث سیاست داخلی و سیاست خارجی با تکیه بر آن سرمایه‌ای که طراحی و اجرای این عملیات برایمان فراهم کرده است، می‌تواند ما را به سمت حل بقیه خلأها و مسائل عواطف ملی مان حرکت دهد. از طرف دیگر به نظر می‌رسد که عقلانیت و عواطف در این حوزه با یکدیگر متوازن هستند، یعنی ما سطح بازدارندگی خودمان که یک امر عقلانی است و حتما بعد از این عملیات بالا رفته است را به خوبی می‌توانیم تبدیل به یک سرمایه بزرگ کنیم و با آن، هم غرور ملی مان را احیا کنیم و هم آن را ارتقا بدهیم. پس می‌توانیم به همین نسبت سراغ حوزه‌های دیگر هم برویم و با سیاست‌ها و اقدامات عقلانی و رشد دادن عقلانیت در جامعه، دیگر عواطف ملی مان را که کم‌اهمیت هم نیستند و نقش پررنگی در همبستگی اجتماعی ما دارند، مرهم بگذاریم و بالنده کنیم.

سال‌هاست که کارشناسان سیاست خارجی و نظامی ما از افزایش عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا صحبت می‌کنند. در سال‌های اخیر ما توانسته‌ایم با نوعی سیاست ورزی بلندمدت و گاهی حضور مستشار نظامی و کمکی که به دولت‌ها و ملت‌های منطقه کرده‌ایم، سطح عمق راهبردی خودمان را افزایش دهیم. من فکر می‌کنم فرصتی که بعد از عملیات امروز برای ما فراهم شده می‌تواند به ما کمک کند که عمق اجتماعی مان را هم در داخل کشور افزایش دهیم. منظور از عمق اجتماعی یا Social depth همبستگی و همگرایی بر محور ارزش‌هایی است که ما به صورت مشترک به آن اعتقاد داریم و نسبت به مخدوش شدن آنها واکنش نشان می‌دهیم یا نسبت به ارتقای آنها احساس غرور و افتخار پیدا می‌کنیم. در کشور ما حتما نقاط اختلاف ارزشی وجود دارد که در سال‌های اخیر بیشتر سر برآورده اما هنوز می‌شود نقاط وفاق ارزشی زیادی پیدا کرد. از جمله همین احترام به تمامیت ارضی و حفظ حریم امنیتی کشور، چون توانایی این را در خود دارد که نقطه شعری باشد برای پیدا کردن و برجسته کردن سایر نقاط وفاق اجتماعی. بعد باید تلاش کنیم تا براساس ارزش‌های مشترکی که بین اکثریت بر سر این نقاط مشترک توافق وجود دارد، همبستگی بیشتری تولید کنیم. من اسم این فرآیند را «افزایش عمق اجتماعی» کشور می‌گذارم. متأسفانه مانند بعضی از حوزه‌های دیگر از جمله «سرمایه اجتماعی» و «اعتماد»، اینجا هم عمق اجتماعی به کندی ایجاد می‌شود اما به سرعت از بین می‌رود. در عین حال وقتی از لحاظ زمانی نگاه کنیم، برخی از برهه

و بازها، زمان مناسب‌تری در اختیار ما قرار می‌دهند تا روی این «عمق اجتماعی» سرمایه‌گذاری کنیم. من فکر می‌کنم این لحظه‌ای که در آن قرار داریم واقعا تاریخی و تاریخ‌ساز است؛ برای اینکه می‌تواند ما را روی مسأله عمق اجتماعی حساس‌تر کند و با تدابیر بهتر، نتایج بهتری هم از سرمایه‌گذاری روی آن دریافت کنیم.

نکته پایانی هم این است که احیای سیاست در ایران چه «سیاست داخلی» چه «سیاست خارجی» نیازمند ایجاد نوعی توازن راهبردی بین «توسعه در داخل کشور» و «مقاومت در خارج از کشور» در مقابل نظام سلطه است؛ با همان تأکیدی که طبیعتا از حیث تحقق و وقوع در منطقه خاص غرب آسیا و شمال آفریقا داریم. متأسفانه در دهه ۹۰ شمسی و دو سه سالی که وارد قرن جدید شده‌ایم یکی از چالش‌هایی که با آن مواجه بودیم همین توازن توسعه کشور و مقاومت بوده که هر دو آنها نیز برای ما حیاتی و مطلوب است، به‌گونه‌ای که نمی‌شود هیچ‌کدام را کنار گذاشت. شکاف بین این دو طوری است که دشمنان ما هم می‌توانند از نظر شناختی روی آن مانور بدهند و گزاره‌هایی نظیر اینکه مقاومت جمهوری اسلامی ایران و هم‌پیمانانش در منطقه در محور مقاومت به قیمت عدم توسعه یا کندی چرخ‌های توسعه کشور اتفاق افتاده است را مطرح کنند. ما نباید بگذاریم چنین چیزی رخ دهد یا چنین آسیبی نهد به کشور. بزرگ‌هاهایی مثل پاسخ کنونی به اسرائیل می‌توانند نقطه عطفی باشند و توجه و تمرکزها را به این سمت ببرند که دوباره توازن بین مقاومت و توسعه را احیا کنیم.

به هر حال مردم ما همان قدری که نیاز دارند غرور ملی شان تامین شود یا ترمیم و ارتقا پیدا کند و ببینند که ایران برای پاسخ به هر تهدید یا ضربه‌ای توانمند است و می‌تواند با قدرت و قوت از آنها متنافع مردم‌ش دفاع کند، به همان میزان هم نیاز دارند احساس کنند که امنیت‌گرفتنار تنگناهای زندگی روزمره‌شان نیستند، بلکه در طول زمان کشور می‌تواند پیشرفت علمی، اقتصادی، فرهنگی و بالندگی اجتماعی داشته باشد. احساس پیشرفت نسبت به آینده ایران چیزی است که به شدت از نظر اجتماعی مردم ما به آن نیاز دارند و اتفاقی که با حمله سپاه رخ داد می‌تواند یک نقطه عطف یا نقطه عزیمتی باشد که ما را به سمت فراگیری احساس پیشرفت در قلمروهای مختلف ببرد. من فکر می‌کنم ما برای ایران آینده فقط نیاز به مقاوم بودن نداریم بلکه نیاز داریم که احساس پیشرفته بودن و احساس همبستگی بالای ملی و احساس پیوند‌های عمیق و محکم اجتماعی را هم داشته باشیم و همه اینها یک منظومه است برای تحقق معنای عمیق ایران قوی. برای همین نیازمند تامین متوازن آنها در کنار هم هستیم و می‌خواهیم این توازن نیز به خوبی قابل لمس باشد. توازن بین «عقلانیت و عواطف»، توازن بین «عمق راهبردی و عمق اجتماعی»، توازن بین «توسعه و مقاومت»، توازن بین یک «ایران قوی از حیث امنیتی و نظامی» و یک ایران پیشرفته و همبسته از حیث اجتماعی و بالنده از نظر علمی و رشد یافته از لحاظ اقتصادی. فکر می‌کنم هرکدام اینها می‌تواند با نقطه عطفی که به لطف پاسخ اخیر ایران رخ داد، توجه و تمرکز ما را به خودش جلب کند.

ما قصه غدیر را شادمانه می‌گوییم اگرچه می‌دانیم عاشورایی در راه است



مصطفی زاده نویسنده

«پاشید، زدن!» صبح اهالی خانه را با این جمله بیدار کردم. دخترم گفت: «اسرائیلی‌ها؟!» با غرور گفتم: «نه خیر، مسا!» همسر هنوز عینکش را نزده، گوشی‌اش را برداشت. دخترها صورت‌هایشان را شسته و نشسته راهی آشپزخانه شدند. «اگر جنگ بشه چی؟» این را بعد از چند دقیقه سکوت یکی شان گفت. احتمالا باید می‌گفتم نگران نباش، هیچ خطری ما را تهدید نمی‌کند؛ ولی گفتم: «معلومه که جنگ میشه!» هر دو خیره شدند به من. گفتم: «پیروزی نهایی جز با خون به دست نمیداد... ولی ملگه قراره توی این دنیا چه کاری کنیم که از این ارزشمندتر و باحال‌تر باشه؟!» میدونی چند هزار نفر با آرزوی دیدن این صحنه زندگی کردن و مردن و ندیدنش؟! و فیلم پرواز موشک‌ها بر فراز قدس را بهشان نشان دادم. تصویر باشکوهی بود از ستاره‌های دنباله دار ایرانی که آسمان سیاه را روشن کرده بودند و صدای الله‌اکبر اهالی فلسطین شنیده می‌شد. دخترم گفت: «آخی... فلسطینی‌ها چه ذوقی کردن!» و لبخند روی لبش نشست. بچه‌ها را که راهی کردم، دوستم خبر داد که دارد به بهشت زهرا می‌رود. من هم خودم را بهش رساندم. رفتیم سر خاک حاج حسن آقای طهرانی مقدم. فکر می‌کردیم فقط خودمانیم؛ ولی سر خاک غلغله بود! مردم با جعبه‌های شیرینی و شیشه‌های گلاب آمده بودند. سر مزار گل‌های پلاستیده بود؛ یعنی همان دیشب عده‌ای خودشان را به اینجا رسانده بودند! ما را باش که فکر می‌کردیم خیلی زبل و بچه‌زنگیم! دور و بر مزار شیشه بیرون تالار عروسی بود! همه می‌گفتند و می‌خندیدند و شیرینی‌ها دست به دست می‌شد. سعی کردم با کلمه‌ها این صحنه را در ذهن ثبت کنم. این کلمه‌ها را برای قصه‌هایم لازم خواهم داشت. برای قصه‌هایی که یک روز قرار است برای نوه‌هایمان تعریف کنیم. قصه زیر و رو شدن دنیا، قصه به پایان رسیدن ظلم، قصه‌ای که از اینجا شروع می‌شود که: یک روز ما جواب شان را با موشک دادیم و بعد... همه چیز شروع شد. اینجا همان نقطه عطف داستان دنیاست. همان‌جا که بعدها توی فیلم‌های سینمایی رویش موسیقی حماسی می‌گذارند. همان‌جا که کاراکتر اصلی داستان سرش را بالا می‌آورد و نمای بسته‌اش را نشان می‌دهند. همان‌جا که تازه اول ماجراست...

من مبانی داستان را بلدم. اینجا نقطه اوج داستان نیست که بعد همه به خوبی و خوشی زندگی می‌کنند. اینجا شروع گره‌های نودتوی داستان است. آنجا که همه چیز هر روز سخت‌تر و سخت‌تر خواهد شد و کاراکترها یکی یکی شهید می‌شوند و مادرها تن بچه‌های بی‌جان‌شان را بغل می‌گیرند و پسرها پرچم‌ها را از کنار پیکر پدرها برمی‌دارند و داستان را پیش می‌برند. اینجا جایی است که دیگر نمی‌توانی چشم از داستان برداری. می‌دانی پیش رویت کلی اشک و خون و عرق است، اما راهی جز ادامه دادن داستان تا انتها، تا رسیدن به نقطه اوج نهایی داستان نداری.

ما همه اینها را می‌دانیم. ما قصه‌گوها سال‌ها این قصه‌ها را برای بچه‌ها تعریف کرده‌ایم. ما برای بچه‌هایمان قصه غدیر را با شادمانی گفته‌ایم. درحالی‌که به خوبی می‌دانیم چند هفته بعد باید قصه عاشورا را هم تعریف کنیم. ما می‌دانیم همان روزی که پیامبر (ص) دست امام علی (ع) را بالا گرفت، شمشیرها برای سر حسین (ع) تیز می‌شد. ما مالیده شدن یوزه ظلم به خاک را جشن می‌گیریم، درحالی‌که می‌دانیم برای پایان ظلم در جهان هنوز راه درازی داریم و شمشیرها تیزند. اما چه باک! اگر‌ها حسین بن علی (ع) این است، اگر برای رسیدن به نقطه اوج داستان زمین باید این خط داستانی طی شود، بگذار ما هم یکی از کاراکترهای فرعی‌اش باشیم! بگذار به جای خواندن قصه‌ها و داستان‌ها و اشک ریختن و ذوق کردن برای شخصیت‌ها، خودمان داستان را بنویسیم. این بار ما می‌زنیم!

بیانیه دبیرخانه دائمی کنفرانس بین‌المللی

حمایت از انتفاضه فلسطین مجلس ایران در برابر قلدری هیچ قدرتی ساکت نمی‌نشیند

پس از اقدام ایران علیه رژیم صهیونیستی دبیرخانه دائمی کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین مجلس شورای اسلامی طی پیامی اعلام کرد در صورت تکرار حمایت دشمن با توان نامحدود ایران مواجه خواهد شد. متن کامل این بیانیه را در ادامه می‌خوانید.

بسم‌الله الرحمن الرحیم
والاحول و لا قوة الا بالله العلی‌ العظیم

خداوند قادر متعال را حمد و ثنای وافر و مستمزمی‌گوییم که در عصری زندگی می‌کنیم که ولی فقیه شجاع، دانا، حکیم و جامع‌الشرایط بر ما ولایت دارد که با فرماندهی کل راهمواره بزرگ‌ترین و برترین اقتدار شرف و عزت را برای ملت قهرمان ایران به ارمغان آورده است. ایرانی که قرن‌های گذشته همواره خاک و عرش به آسانی توسط دشمنان خرد و کلان مورد تعرض قرار گرفته و در هر

داده‌اند که دنیا را به شگفتی و داشته است.»

رئیس دفتر سیاسی حماس هم در این گفت‌وگو ضمن تشکر از حمایت‌ها و مواضع جمهوری اسلامی ایران به ویژه مقام معظم‌رهبری (مدظله‌العالی) در قبال فلسطین و در پیش از شش ماه مبارزه سخت‌گفت: «جناباتی که اخیرا رژیم صهیونیستی در به شهادت رساندن فرزندان و نوه‌های من انجام داد تنها بخشی از جنایات این رژیم سفاک است و ابعاد مختلفی دارد؛ اولاً نشان دهنده روحیه شیطان‌ی و انتقام‌جویی رژیم جنایتکار صهیونیستی بوده و از سوی دیگر شکست رژیم صهیونیستی در این جنگ را نشان می‌دهد که به هیچ یک از اهداف اعلام شده خود نرسیدند و قطعاً توطئه دشمن هرگز عملی نخواهد شد و مقاومت پیروز خواهد بود.»

اسماعیل هنیه در خصوص عملیات وعده صادق گفت: «این عملیات شجاعانه نقطه عطفی در نحوه و شیوه درگیری با رژیم صهیونیستی است و این عملیات‌ها بر این تأکید دارد که رژیم عرب‌بده‌کشی صهیونیست‌ها در فلسطین و منطقه به پایان رسیده است.» وی افزود: «من از این تیریک و تسلیت شما تشکر می‌کنم و خدا را شاکرم که خون فرزندانم در راه آزادی قدس و مسجدالاقصی با خون دیگر شهدای راه مقاومت که همه آنها فرزندان من هستند آمیخته شد.»

مشاور مقام معظم‌رهبری در امور بین‌الملل در بخش دیگری از این مکالمه تلفنی ضمن محکومیت حمله تروریستی رژیم صهیونیستی به کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در سوریه، گفت: «اقدام شجاعانه و مدبرانه شب گذشته جمهوری اسلامی ایران در عملیات وعده صادق موجب رسوایی کشورهای غربی و حامیان رژیم پושالی صهیونیستی شد که در طی سال‌های پس از جنگ اول و دوم جهانی سعی می‌کردند از رژیم صهیونیستی یک قدرت منطقه‌ای بسازند ولی با این حرکت دفاعی قاطع و کوبنده در حقیقت هیمنه ساختگی صهیونیست‌ها شکسته شد و صلیبی‌های دیرآمده در جهان را رسوا کرد.»

دبیرکل مجمع جهانی بیداری اسلامی در مورد عملیات وعده صادق که شنبه شب از خاک ایران علیه رژیم صهیونیستی انجام شد، تصریح کرد: «مجموعه اقداماتی که در طی ماه‌های اخیر توسط فلسطینی‌ها و حامیان آنها در جبهه مقاومت انجام شد، نشان دهنده یک تحول اساسی در تاریخ مبارزات اسلامی می‌باشد. این دو نقطه عطف یعنی ایثار و اقتدار شما از یک طرف و اقدام قاطع، روشن و صریح جمهوری اسلامی ایران از طرف دیگر نشان داد که اقتدار روزافزون جبهه مقاومت در منطقه یک واقعیت انکارناپذیر است.» وی افزود: «نکته مهم اینکه غیرتمندان جهان اسلام از یمین، لبنان، سوریه، عراق، فلسطین و ایران کاری انجام

دکتر ولایتی در گفت‌وگوی تلفنی با اسماعیل هنیه:

مقاومت امروز و تحولات منطقه در تاریخ سابقه نداشته است

دکتر ولایتی، مشاور مقام معظم‌رهبری در امور بین‌الملل روز یکشنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۳ با اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس گفت‌وگو کرد.

دکتر ولایتی در این گفت‌وگوی تلفنی ابتدا شهادت پسران و تعدادی از اعضای خانواده هنیه در غزه را به وی تبریک و تسلیت گفت و سپس تأکید کرد: «مقاومتی که فلسطینیان در طی بیش از شش ماه گذشته انجام داده‌اند در طول تاریخ مبارزات معاصر و متاخر این کشور بی‌نظیر بود و در طی این مدت نشان داده شد که فلسطین تنها نیست، بلکه مسلمانان و آزادی خواهان در سراسر جهان در کنار مردم مظلوم فلسطین هستند و ان‌شاء الله این حمایت‌ها تا نابودی کامل رژیم جنایتکار صهیونیستی ادامه خواهد یافت.»

دکتر ولایتی افزود: «عملکرد مردم مومن و قهرمان فلسطین حاکی از این است که این مبارزات وارد دور تازه‌ای شده که در تاریخ معاصر سابقه نداشته است و اضمحلال و فروپاشی رژیم صهیونیستی که در این مدت تعداد زیادی از مردم مظلوم غزه و فلسطین را به شهادت رساند قریب‌الوقوع است.» وی تأکید کرد: «بدون تردید این همکاری‌های هماهنگ و همه‌جانبه بین کشورهای و مجموعه‌های عضو جبهه مقاومت به صورت روزافزونی ادامه خواهد داشت.»

فرهنگ‌نویسان

روز قدر

دوشنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۳
شماره ۴۱۱۳
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGADAILY

